اعتراضات یک نمایش خیابانی بود
Published on اسپادانا خبر (https://www.espadanakhabar.ir)

این‌ها یک درصد از یک نسل هم نیستند. یک نمایش تصنعی‌بود که از بیرون توسط تلویزیون‌های ماهواره‌ای در حال شارژ شدن بود. این ماجرا کاریکاتوری از اتفاق‌های قبلی و مشخصا تظاهرات و ترورهای سال ۶۰ است.

قبل از مهسا امینی مشخص بود برنامه‌ای در کار است؛

بهروز افخمی، فیلمساز ایرانی در پاسخ به سوالی با عنوان **جو ضد هنری به وجود آمده در دوره ناآرامی‌ها، اعتراض‌ها و اغتشاش‌ها** گفت:

مردم علاقه‌مند هستند که فیلم و سریال ببینند و تئاتر و کنسرت بروند و هم بازیگران دوست دارند کارشان را انجام دهند اما یک جو وحشت وجود دارد و درواقع نوعی تروریسم به شکلی آن‌ها را می‌ترساند در حالی که وقتی اقدام کنند متوجه می‌شوند هیچ چیز واقعی وجود ندارد.

به گزارش اسپادانا خبر، او در بخشی از گفتگوی خویش با ایسنا ادامه داد:

اینکه باید چطور عمل کرد به خودشان بستگی دارد که بعضی از آن‌ها ممکن است از تشدیدکنندگان شرایط باشند و بخواهند تروریسم فرهنگی را گسترش دهند اما آن کسی که می‌خواهد کار کند و جرأت انجام آن را ندارد شاید بهتر است نام خود را هنرمند نگذارد چون باید حاضر باشد که کمترین خطر را بپذیرد. چطور شده که هنرمند ما اینقدر نازک‌نارنجی شده است؟ در تاریخ جنگ جهانی دوم می‌خوانیم که وقتی نیمی از استالینگراد در اختیار آلمان‌ها بود و در نیمه دیگر هم مردم از گرسنگی می‌مردند، آرام خاچاطوریان (از بهترین آهنگسازان دوران اتحاد جماهیر شوروی) اسموکینگ پوشیده بود و در یک سالن در نزدیکی شهر یک سمفونی را اجرا می‌کرد و عده ای از مردم هم در آن سرمای زمستان و در شرایطی که آلمان‌ها در ۴۰ کیلومتری آن‌ها بودند، نشستند و به موسیقی او گوش دادند. به نظرم الان شرایط فوق‌العاده عجیبی در ایران وجود ندارد. یعنی اتفاق عجیبی نیفتاده و ما یک نمایش زودگذر خیابانی داشتیم که فقط تعداد خیلی کمی از مردم آن را باور کردند؛ آن‌هایی که تفاوت بین مجاز و واقعیت را تشخیص نمی‌دهند. بنابراین برای من جالب نیست که آن را به یک داستان تبدیل کنم یا اصلا آن را یک حادثه واقعی تلقی کنم. آدم‌ها برای ناتوانی و ناموفق بودن خود انواع و اقسام توجیه‌ها را می‌آورند مثلاً گردن حکومت می‌اندازند یا سانسور در صورتی که در شدیدترین مواقع سانسور هم دیده‌ایم آن‌هایی که کار خود را بلدند به درستی آن را انجام داده‌اند. آن‌هایی که نمایش‌های زودگذر خیابانی را به راه انداختند اتفاقاً مرتضی کیوان را هم تحقیر می‌کنند. معمولا هر کسی را که با آمریکا مقابله کرده در هر دورانی تحقیر می‌کنند و خودشان هم ایدئولوژی‌ای ندارند که آن را اجرا کنند یا بر اساس آن چیزی بنویسند. به طور کلی به نظرم این‌ها توجیه شکست است.

او گفت:

چشمم را نبسته‌ام اما اگر هم کسی چشمش را ببندد و کار خود را بکند ایرادی ندارد چون به نظرم این جو تصنعی است و تاریخ مصرف دارد. این ماجرا حتی مثل شورش بنزین نیست که معنادارتر و قابل فهم‌تر بود و معلوم بود
یکسری کسانی که کار و زندگی‌شان از روی بیکاری فقط با مسافرکشی می‌گذرد درگیر شده‌اند و این‌ها حتی
وقتی تیر می‌خورند یا کشته می‌شوند   -کاری نداریم از کدام طرف   - قابل ترحم و فهم بودند و می‌شد فهمید با
وجود آنکه از سیاست سر در نمی‌آورند، یک چیز را می‌دانستند و آن هم این بود که وقتی قیمت بنزین چند
برابر می‌شود، کار او که آخرین راه باقی‌مانده برای امرار معاش اوست تعطیل می‌شود اما درباره

Page 1 of 2

[illegible]

در تهران بعید است کسی ندیده باشد و خبر دار نباشد که چه شده، حتی اگر تلفن هوشمند هم نداشته باشد اما اینکه در کل ایران اتفاقی افتاد و چیزی بود که تمام مردم مملکت احساس می‌کردند وارد یک بحران شده‌اند را قبول ندارم. اگر در کردستان یا در بلوچستان اتفاقی افتاده می‌دانیم که به بحث‌هایی که در تهران در جریان بود هیچ ربطی نداشت. مسئله در آنجا چیز دیگری است. به طور کلی می‌خواهم بگویم این ماجرا، ماجرای زندگی حقیقی مردم نبود، آنچه درباره غائله بنزین رخ داد، نبود. آنچه چند سال گذشته پیش آمد نبود. حتی مشابه آنچه در سال ۸۸ رخ داد هم نبود. با هیچ‌کدام از آن‌ها قابل مقایسه نبود و به نظرم یک نمایش تصنعی بود که از بیرون توسط تلویزیون‌های ماهواره‌ای در حال شارژ شدن بود. نمی‌دانم چه شد آن‌ها هم فریب خوردند یا چیز دیگر که رفتند سراغ ماجرای مهسا (امینی) در حالی که از ۱۰ - ۱۵ روز قبل از آن اتفاق مشخص بود که برنامه‌ای در کار است و متمرکز بر خبر فوت رهبری بود. شایعه‌های وسیعی درست کرده بودند و من مدام فکر می‌کردم که آیا قرار است در تاریخی تروری رخ دهد؟ بعد حتی اگر موفق نباشد برای مدتی روی آن مانور خبری بدهند؟ اما از وقتی که ایشان بدون استفاده از عصا آمد و ایستاد و صحبت کرد نقشه‌ها نقش بر آب شد. بعد با خودت فکر می‌کنی که نیویورک‌تایمز چرا آبروی خود را برد؟ آن‌هم روزنامه‌ای که یک زمان گفته می‌شد اگر درباره اتفاقی در نیویورک‌تایمز صحبت نشده باشد یعنی آن اتفاق اصلاً رخ نداده است. در کل به این نتیجه می‌رسی که قطعاً نقشه‌ای درمیان بوده که حتی حیثیت یک بنگاه خبری بزرگ را هم وسط گذاشته‌اند ولی بعد همه چیز به طرف مهسا امینی تابید. آیا فکر کردند این اتفاق مردم را بیشتر تحریک می‌کند؟ انگار که جایگزینی اتفاق افتاد به همین دلیل می‌گویم که این ماجرا از نظر من کاریکاتوری از اتفاق‌های قبلی و مشخصا تظاهرات و ترورهای سال ۶۰ است البته از طرف دیگر هم فکر می‌کنم به هر حال انگار ملت هر چند سال یک بار باید تمرین جنگ بکند.

[illegible]:

[illegible]

برچسب ها: سینما [1]
اعتراض [2]
حقوق شهروندی [3]